

دانش و پژوهش

دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)

علوم تربیتی و روان‌شناسی

شماره دهم - زمستان ۱۳۸۰

صص ۲۵ - ۴۰

مقایسه میزان سازگاری روان‌شناختی در مراجعین به مرکز پیشگیری از طلاق بهزیستی استان اصفهان و زوج‌های عادی

اصغر آقایی^۱ - علی قاسمی^۲، فریبنی
رتال جامع علوم انسانی

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی میزان سازگاری روان‌شناختی در زوج‌های مراجعه‌کننده به مرکز پیشگیری از طلاق بهزیستی استان اصفهان در مقایسه با زوج‌های عادی است. فرض تحقیق این است که زوج‌های مراجعه‌کننده به مرکز پیشگیری از طلاق در ابعاد شناختی، رفتاری، عاطفی، رفتار جنسی و رفتار مذهبی با زوج‌های عادی تفاوت دارند. برای نیل به هدف، پژوهشی مقدماتی بر روی ۴۰ زوج متقاضی طلاق انجام گرفت. در مرحله بعد پرسشنامه‌ای محقق ساخته تهیه و در مورد ۵۰ زوج متقاضی طلاق و نیز ۵۰ زوج عادی اجرا گردید.

نتایج پژوهش نشان داد که زوج‌های متقاضی طلاق از لحاظ سازگاری در زیرمقیاس‌های روان‌شناختی شامل جنبه شناختی، اجتماعی، رفتاری، عاطفی،

رفتار جنسی و رفتار مذهبی (به عنوان یک مقیاس مستقل) با زوج‌های عادی تفاوت معنی‌دار داشته‌اند ($P=0/000$).

این پژوهش تفاوت‌های معنی‌دار بین زوج‌های متقاضی طلاق و عادی، در مورد همشهری بودن یا نبودن، طول مدت ازدواج زوج‌ها، میانگین سنی زوج‌های متقاضی طلاق و زوج‌های عادی را نیز نتیجه‌گیری کرده است.

مقدمه

خانواده قدیمی‌ترین سازمان اجتماعی است که از بدو پیدایش انسان وجود داشته و در هسته مرکزی سازمان‌های اجتماعی گسترده‌تر قرار گرفته است. خانواده در حکم بافت سلولی برای اندام‌های اجتماع عمل می‌کند و در تعلیم و تربیت و آموزش نقش دارد. خانواده در پرورش اخلاق و خصایص عالی‌انسانی افراد جامعه نیز نقش بسیار مهمی دارد. از این رو خانواده حافظ فرهنگ جامعه، منافع فردی و اجتماعی افراد و تضمین‌کننده سلامت جسمی، روانی و اجتماعی آنان می‌باشد.

در قلمرو علوم انسانی و اجتماعی نیز اهمیت سلامت خانواده مورد توجه روان‌شناسان و آگاهان به مسائل انسانی و اجتماعی می‌باشد. آنان می‌کوشند تا اهمیت نهاد خانواده را مطرح نمایند.

به اعتقاد روان‌شناسان سلامت نهاد خانواده در پناه زندگی زوج‌ها توأم با برقراری پیوند محکم و دایمی بین زن و مرد تحقق می‌یابد که از آن تحت عنوان «ازدواج» نام برده می‌شود. در بیان اهمیت تشکیل خانواده پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌فرمایند: «هیچ بنیاد اسلامی نزد خداوند پسندیده‌تر از بنای ازدواج و خانواده نیست» (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۳). بنا به شرایط و موقعیت‌های زندگی و اختلاف نظر در دیدگاه‌ها، گاهی زن و شوهر دچار درگیری و کشمکش خانوادگی می‌شوند که هیچ‌یک پیش‌بینی قبلی برای ناسازگارهای خود ننموده‌اند و ناخواسته درگیر اختلاف شده‌اند. بروز اختلافات زناشویی روند فزاینده‌ای دارد. ملاحظه آمار طلاق تا حدودی اختلافات بین زوج‌ها را نشان می‌دهد. در سال ۱۳۷۷، ۴۲۳۹۱ فقره طلاق و در سال ۱۳۷۸، ۵۱۰۴۴ فقره طلاق در کل کشور اتفاق افتاده، که ۱۶/۹ درصد افزایش داشته و در همین مدت یعنی

سال ۱۳۷۷، ۲۶۰۲ فقره و در سال ۱۳۷۸، ۴۰۶۴ فقره طلاق در استان اصفهان به وقوع پیوسته و ۱۵/۶ درصد افزایش داشته است (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۹-۱۳۷۸).

برای کاهش اختلافات زناشویی و طلاق، باید دید زن و مرد تا چه حد تناسب‌ها و شباهت‌ها را در ازدواج در نظر می‌گیرند و تا چه حد با خصوصیات جسمی، روانی، اجتماعی، عاطفی و رفتاری یکدیگر آشنایی دارند؟ با وجود تفاوت‌های فردی و فرهنگی و جنسی که اجتناب‌ناپذیر است و با وجود برخی مشکلات و اختلافات زناشویی ناخواسته، چه روشهایی برای برخورد با مشکلات ارتباطی انتخاب می‌شود. مسائلی از این قبیل، ضرورت بررسی موضوع از جنبه‌های روان‌شناختی را مطرح می‌سازد.

پژوهشگران مسائل اجتماعی و روان‌شناسان مشکلات خانواده و ناسازگاریهای زوج‌ها را بررسی کرده‌اند. گود (۱۹۶۳) در تحقیق خود به سطوح فزاینده تنش و اضطراب و دنبال کردن منافع فردی که موجب ناسازگاری زوج‌ها می‌شود اشاره کرده است. کیتسون (۱۹۸۵) عوامل روان‌شناختی بسیاری را بر خطر طلاق مؤثر دانسته است. لاک (۱۹۹۱) پس از یک مطالعه طولی ۹ ساله؛ فشارها، تغییر در شیوه زندگی، آزادیهای جنسی، اعتیاد و سقوط ارزشهای اخلاقی و مذهبی را موجب فروپاشی خانواده ذکر کرده است. گلدمن (۲۰۰۰) رابطه بین سوء مصرف مواد مخدر و ویژگیهای شخصیتی و اعتیاد را به دست آورده است. فریدمن (۱۹۹۵) اختلال شخصیت و افسردگی را علت اصلی طلاق دانسته است. کلی (۱۹۹۵) روابط همراه با قهر و پرخاشگری را علت ناسازگاری زوج‌ها ذکر نموده است. دخالت‌های اطرافیان یکی از علت‌های اجتماعی طلاق است که پورو (۱۳۷۴) به آن اشاره کرده است.

محققان ایرانی نیز در پژوهشهایی به عوامل ناسازگاریهای خانواده پرداخته‌اند. فرجاد (۱۳۷۲) به رابطه طلاق با میزان علاقه زن و شوهر و میزان ناراضی‌تی از روابط جنسی پرداخته و همچنین به رابطه بین نحوه گزینش همسر و علاقه‌مندی در زندگی زناشویی دست یافته است. ابوالقاسمی و کیامرثی (۱۳۷۹) در پژوهشی، اضطراب، افسردگی، پرخاشگری، نگرش منفی به زندگی و جنس مخالف و شکایات جسمی را در بین افراد متقاضی طلاق بیش از زوج‌های عادی مشاهده کرده‌اند. افشاری منفرد (۱۳۷۹) عوامل مؤثر در فروپاشی خانواده را فقر اقتصادی، ناسازگاری جنسی، ازدواج در سنین پایین و نداشتن توافق اخلاقی و اعتیاد به مواد مخدر ذکر کرده است.

آقامحمدیان (۱۳۷۹) در پژوهشی روی زنان مطلقه مشهد به ارتباط بین ویژگیهای شخصیتی و طلاق دست یافته است.

ویژگیهای روان‌شناختی زوجها از خصوصیات فردی و اجتماعی آنان ناشی می‌گردد و شامل احساسات، شناخت، هیجانات، رفتارها و تفاوت‌های فردی می‌شود. از این رو بررسی عوامل سازگاری و ناسازگاری زوجها در جنبه‌های شناخت، رفتار فردی، رفتار اجتماعی، رفتار عاطفی، رفتار جنسی و رفتار مذهبی انجام گردیده و نتایج حاصل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

روش پژوهش

روش به کار رفته در این پژوهش توصیفی و از نوع علی - مقایسه‌ای است. در انجام پژوهش علی - مقایسه‌ای یافتن علت‌های احتمالی یک الگوی رفتاری مد نظر است. بدین منظور زوج‌هایی که دارای رفتار مورد مطالعه بوده‌اند با زوج‌هایی که این رفتار در آنها مشاهده نشده (یا کمتر مشاهده شده) مقایسه گردیده‌اند. دخالت تجربی در این پژوهش وجود نداشته است و دو گروه به شرح زیر مورد مطالعه قرار گرفته‌اند.

الف - گروه زوج‌های متقاضی طلاق یا آزمایش: متشکل از ۵۰ زوج که به مرکز پیشگیری از طلاق بهزیستی استان اصفهان مراجعه کرده‌اند. برای انتخاب زوج‌های گروه آزمایش، زن و شوهرهای دارای فرزند که در تابستان ۱۳۸۰ به دلایل مختلف به دادگستری اصفهان مراجعه نموده و تقاضای طلاق کرده‌اند انتخاب شده‌اند. دلیل مراجعه این‌گونه افراد به مرکز پیشگیری از طلاق، هماهنگی سازمان بهزیستی استان اصفهان با دادگستری اصفهان می‌باشد. بدین منظور برای رفع اختلافات زوجها و سازگاری مجدد آنان قبل از هرگونه اقدام دادگستری، اقدامات مشاوره‌ای و حقوقی را مرکز پیشگیری از طلاق انجام داد. از بین مراجعین به این مرکز ۵۰ زوج انتخاب شدند که تقریباً تمامی مراجعین در تابستان ۱۳۸۰، دارای فرزند و حداقل تحصیلات دوره ابتدایی بوده‌اند.

ب - گروه زوج‌های عادی یا گواه: شامل ۵۰ زوج دارای فرزند و حداقل تحصیلات دوره ابتدایی بودند که از مناطق دهگانه شهر اصفهان و طی دو مرحله انتخاب گردیدند. در مرحله اول انتخاب خوشه‌ای صورت گرفت یعنی از هر منطقه شهری اصفهان ۵ زوج انتخاب شدند. در مرحله دوم، انتخاب منظم انجام گرفت و بر اساس فهرست

شماره پرونده منازل در هر منطقه شهری ۵ خانه انتخاب گردید و پرسشنامه پژوهش (به صورت خود اجرا) در مورد آنان اجرا گردید.

نوع پرسشنامه به کار گرفته «محقق ساخته» بود. پرسشنامه در چند مرحله تهیه گردید. در مرحله اول پژوهش مقدماتی بر روی ۴۰ زوج متقاضی طلاق در مرکز پیشگیری از طلاق بهزیستی استان اصفهان صورت پذیرفت و از هر زن و شوهر درخواست گردید تا سه مشکل مهم خود را که در اختلافات و مشکلات آنان دخالت داشته است بیان نمایند، بدین نحو ۲۴۰ مشکل از طرف متقاضیان طلاق مطرح گردید. در مرحله دوم مشکلات مطرح شده دسته‌بندی و موارد مشابه حذف شد و ۶۵ مشکل باقی مانده در شش طبقه، شامل شناختی، اجتماعی، رفتاری، عاطفی، جنسی و مذهبی قرار گرفتند. در مرحله سوم با همکاری و نظارت چهار تن از استادان محترم روان‌شناسی از دانشگاه‌های اصفهان و آزاد اسلامی واحد خوراسگان ۶۵ مشکل به صورت پرسش درآمد و پرسشهای هر زیرمقیاس روان‌شناختی از لحاظ تقدم و تأخر، ویرایش ادبی و مفهومی مرتب گردید. در مرحله چهارم پرسشنامه، ۶۵ سؤال در مورد ده زوج متقاضی طلاق اجرا گردید. با توجه به اینکه ضریب هم‌هنگامی مطلوب و قابل قبول به دست آمد برای اجرا در مورد گروه آزمایش و گروه گواه مورد تأیید قرار گرفت (ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه برای پرسشهای شناختی ۰/۸۸، پرسشهای اجتماعی ۰/۸۲، پرسشهای رفتاری ۰/۸۹، پرسش عاطفی ۰/۸۷، پرسشهای رفتار جنسی ۰/۸۹ و پرسشهای رفتار مذهبی ۰/۸۵ و برای کل پرسشها ۰/۹۷ به دست آمد).

نحوه اجرا و ارزیابی

پرسشنامه روان‌شناختی زوجها در دو گروه آزمایش و گواه به صورت خود اجرا تکمیل گردید و هر یک از زن و شوهر یکدیگر را ارزیابی کردند. هر پرسش دارای چهار مقوله (یا چهار پاسخ) برای انتخاب می‌باشد، پاسخ هیچ وقت با نمره صفر، گاهی اوقات با نمره یک، اغلب اوقات با نمره دو و همیشه با نمره سه ارزیابی گردیدند.

نکته مهم در خصوص پرسشنامه به کار رفته این است که هر زن یا شوهر ویژگیهای روان‌شناختی یکدیگر را ارزیابی کرده‌اند که واقع‌گرایانه و بدون مقاومت

می‌باشد. به لحاظ تفاوت‌های جنسی زن و مرد و در نتیجه وجود تفاوت در کارکردها و نقش‌های آنان دو نوع پرسشنامه تهیه شده و به کار رفته است، پرسشنامه سازگاری روان‌شناختی زنان و پرسشنامه سازگاری روان‌شناختی مردان.

نتایج

جدول ۱- تحلیل آماری از ناسازگاریهای مردان و زنان گروه آزمایش و گروه گواه
(نکته مهم: مردان و زنان هر گروه یکدیگر را ارزیابی کرده‌اند)

متغیر وابسته	درجه آزادی	واریانس	ضریب F	معنی‌دار بودن	میزان تفاوت	توان آماری
ناسازگاری شناختی مردان	۱	۱۹۴۴/۸۱	۸۶/۸۰۱	۰	۰/۲۷۳	۱
ناسازگاری اجتماعی مردان	۱	۱۴۶۷/۴۲۶	۵۵/۳۹۲	۰	۰/۳۶۱	۱
ناسازگاری رفتاری مردان	۱	۲۳۱/۴۴	۴۹/۹۸۱	۰	۰/۳۳۸	۱
ناسازگاری عاطفی مردان	۱	۲۱۱۶	۶۵/۰۷۴	۰	۰/۳۹۹	۱
ناسازگاری جنسی مردان	۱	۱۵۹۲/۰۱	۳۳/۲۲۹	۰	۰/۲۵۴	۱
ناسازگاری مذهبی مردان	۱	۳۱۶/۸۴	۲۹/۴۱۳	۰	۰/۲۳۱	۱
ناسازگاری شناختی زنان	۱	۱۵۱۳/۲۱	۳۰/۸۰۲	۰	۰/۲۳۹	۱
ناسازگاری اجتماعی زنان	۱	۸۲۳/۶۳۳	۲۹/۴۰۳	۰	۰/۲۳۱	۱
ناسازگاری رفتاری زنان	۱	۲۰۰۲/۸۵۸	۳۵/۹۹۱	۰	۰/۲۶۹	۱
ناسازگاری عاطفی زنان	۱	۱۹۸۹/۱۶	۶۳/۱۶۳	۰	۰/۳۹۲	۱
ناسازگاری جنسی زنان	۱	۱۰۳۴/۲۲۱	۳۳/۵۳۶	۰	۰/۲۵۵	۱
ناسازگاری مذهبی زنان	۱	۶۹۱/۶۹	۳۰/۰۳۵	۰	۰/۲۳۵	۱

$$\alpha = /.۱$$

- ۱- بین ناسازگاری شناختی مردان گروه آزمایش و گروه گواه تفاوت معنی‌دار وجود دارد ($P = 0/000$)، مطابق جدول ۱ میزان این تفاوت $0/27$ و توان آماری ۱ می‌باشد.
- ۲- بین ناسازگاری اجتماعی مردان گروه آزمایش و گروه گواه تفاوت معنی‌دار وجود دارد ($P = 0/000$)، مطابق جدول ۱ میزان این تفاوت $0/36$ و توان آماری ۱ می‌باشد.
- ۳- بین ناسازگاری رفتاری مردان گروه آزمایش و گروه گواه تفاوت معنی‌دار وجود دارد ($P = 0/000$)، مطابق جدول ۱ میزان این تفاوت $0/33$ و توان آماری ۱ است.
- ۴- بین ناسازگاری عاطفی مردان گروه آزمایش و گروه گواه تفاوت معنی‌دار وجود دارد ($P = 0/000$)، مطابق جدول ۱ میزان این تفاوت $0/39$ و توان آماری ۱ می‌باشد.
- ۵- بین ناسازگاری جنسی مردان گروه آزمایش و گروه گواه تفاوت معنی‌دار وجود دارد ($P = 0/000$)، مطابق جدول ۱ میزان این تفاوت $0/25$ و توان آماری ۱ می‌باشد.
- ۶- بین ناسازگاری رفتار مذهبی مردان گروه آزمایش و گروه گواه تفاوت معنی‌دار وجود دارد ($P = 0/000$)، مطابق جدول ۱ میزان این تفاوت $0/23$ و توان آماری ۱ است.
- ۷- بین ناسازگاری شناختی زنان گروه آزمایش و گروه گواه تفاوت معنی‌دار وجود دارد ($P = 0/000$)، مطابق جدول ۱ میزان این تفاوت $0/23$ و توان آماری ۱ می‌باشد.
- ۸- بین ناسازگاری اجتماعی زنان گروه آزمایش و گروه گواه تفاوت معنی‌دار وجود دارد ($P = 0/000$)، مطابق جدول ۱ میزان این تفاوت $0/23$ و توان آماری ۱ می‌باشد.
- ۹- بین ناسازگاری عاطفی زنان گروه آزمایش و گروه گواه تفاوت معنی‌دار وجود دارد ($P = 0/000$)، مطابق جدول ۱ میزان این تفاوت $0/39$ و توان آماری ۱ می‌باشد.
- ۱۰- بین ناسازگاری رفتاری زنان گروه آزمایش و گروه گواه تفاوت معنی‌دار وجود دارد ($P = 0/000$)، مطابق جدول ۱ میزان این تفاوت $0/26$ و توان آماری ۱ می‌باشد.
- ۱۱- بین ناسازگاری جنسی زنان گروه آزمایش و گروه گواه تفاوت معنی‌دار وجود دارد ($P = 0/000$)، مطابق جدول ۱ میزان این تفاوت $0/25$ و توان آماری ۱ می‌باشد.
- ۱۲- بین ناسازگاری رفتار مذهبی زنان گروه آزمایش و گروه گواه تفاوت معنی‌دار وجود دارد ($P = 0/000$)، مطابق جدول ۱ میزان این تفاوت $0/23$ و توان آماری ۱ می‌باشد.

جدول ۲- مقایسه میانگین نمرات ناسازگاری روان‌شناختی زوج‌های گروه آزمایش و گروه گواه

گروه	جنس	میانگین نمرات ناسازگاری شناختی	میانگین نمرات اجتماعی	میانگین نمرات رفتاری	میانگین نمرات عاطفی	میانگین نمرات جنسی	میانگین نمرات رفتاری مذهبی	میانگین نمرات ناسازگاری	تعداد
آزمایش	مرد	۱۶/۱	۱۱/۶۲	۱۴/۱۶	۱۳/۸۶	۱۱/۷۸	۴/۵۸	۷۲/۰۱	۵۰
	زن	۱۶/۶۴	۱۰/۸۴	۱۴/۶۶	۱۴/۳	۸/۹۶	۷/۲۸	۷۲/۶۸	۵۰
گواه	مرد	۹/۳۴	۴/۱	۴/۶	۴/۷۶	۳/۶۸	۱/۱۶	۲۷/۶۴	۵۰
	زن	۸/۷	۴/۷۸	۵/۵۴	۵/۳۲	۳/۱۴	۲/۰۸	۲۹/۵۶	۵۰

جدول ۳- تحلیل آماری سن و طول مدت ازدواج زوج‌های گروه آزمایش و گروه گواه

گروه	جنس	میانگین سنی به سال	جوان‌ترین سن	مسن‌ترین سن	طول مدت ازدواج به سال	تعداد
آزمایش	مرد	۳۵/۵۲	۲۳	۶۲	۹/۹۴	۵۰
	زن	۲۹/۵۶	۱۹	۵۱		
گواه	مرد	۴۲/۸	۲۹	۶۲	۱۷/۳۴	۵۰
	مرد	۳۷/۱۸	۲۵	۶۰		۵۰

بر اساس جدول ۳ زوج‌های گروه آزمایش از میانگین سنی پایین‌تری نسبت به زوج‌های گروه گواه برخوردار بوده‌اند، به طوری که میانگین سنی مردان گروه آزمایش ۳۵/۵۲ و مردان گروه گواه ۴۲/۸ سال و میانگین سنی زنان گروه آزمایش ۲۹/۵۶ سال و زنان گروه گواه ۳۷/۱۸ سال می‌باشد.

همچنین مطابق جدول ۳ طول مدت ازدواج در زوج‌های گروه آزمایش کوتاهتر از طول مدت ازدواج در زوج‌های گروه گواه می‌باشد، چنانکه طول مدت ازدواج زوج‌های در گروه آزمایش ۹/۹۴ سال و در زوج‌های گروه گواه ۱۷/۳۴ سال می‌باشد.

جدول ۴- تحلیل آماری از همشهری بودن یا نبودن زوج‌ها و اشتغال زنان گروه آزمایش و گروه گواه

گروه	همشهری بودن زوج	اشتغال زن	خانه‌دار بودن زن	تعداد زوج
آزمایش	۲۸	۸	۴۲	۵۰
گواه	۳۹	۱۸	۳۲	۵۰

وضعیت همشهری بودن $\chi^2 = 5/4$ ، $df = 1$ ، $P = 0/019$

وضعیت اشتغال زنان $\chi^2 = 5/2$ ، $df = 1$ ، $P = 0/02$

از یافته‌های اضافی پژوهش وجود تفاوت معنی‌دار همشهری بودن و نبودن زوج‌های گروه آزمایش و گروه گواه می‌باشد، به طوری که در جدول ۴ مشاهده می‌شود ۳۹ زوج گروه گواه (زوج‌های عادی) همشهری بوده‌اند و در مقابل ۲۸ زوج از گروه آزمایش (متقاضیان طلاق) همشهری نبوده‌اند.

همچنین بین زنان گروه آزمایش و گروه گواه از لحاظ وضعیت اشتغال تفاوت معنی‌دار وجود داشته است به طوری که در بین زنان گروه آزمایش ۸ نفر شاغل و ۴۲ نفر خانه‌دار و در بین زنان گروه گواه ۱۸ نفر شاغل و ۳۲ نفر خانه‌دار بوده‌اند.

بحث

۱- جنبه شناختی مردان و زنان، میزان هماهنگی آنان را در مسائل زندگی نظیر: سطح توقعات، ثبات رأی داشتن، توجه به مشکلات مشترک، درک افکار یکدیگر، هماهنگی در مورد رفتار با فرزندان، قبول نظریات طرف مقابل، همفکری، آینده‌نگری و بهانه‌گیری مورد سنجش قرار می‌دهد. زوج‌های گروه آزمایش و گروه گواه در این مقیاس تفاوت داشته‌اند، با توجه به جدول ۲، میانگین نمرات ناسازگاری شناختی مردان گروه آزمایش ۱۶/۱

و مردان گروه گواه ۹/۳۴ و میانگین نمرات ناسازگاری شناختی زنان گروه آزمایش ۱۶/۶۴ و زنان گروه گواه ۸/۸۷ بوده است.

تحقیق اون و اورترین نتایج را تأیید می‌کند. آنها نتیجه‌گیری کردند، زوج‌هایی با هم سازگاری بیشتری دارند که هنگام تصمیم‌گیری در مسائل مشترک با یکدیگر تبادل نظر و همیاری می‌کنند و نسبت به زوج‌های ناسازگار از عقاید هم بیشتر استفاده می‌کنند و به عقاید هم احترام می‌گذارند.

کیتسون (۱۹۸۵) نیز در پژوهش خود نتیجه گرفته است که عوامل روان‌شناختی بسیاری بر خطر طلاق مؤثر هستند. یک نهاد هدایت‌کننده انتخاب همسر در انگلیس (به نقل از پورو، ۱۳۷۴) نتیجه‌گیری کرده است که امکان وصلت دو همسر بر اساس صفات، معایب، ذوقها، تمایلات و مشابهات میسر است. کاپلان (۱۳۷۹) در نتایج پژوهشهای طلاق، توقعات زیاد زوج‌ها را از هم که لازم می‌شود زن فداکارترین مادر و مرد حمایت‌کننده‌ترین پدر باشد، ذکر کرده است.

۲- رفتارهای اجتماعی شامل؛ احترام گزاردن به همسر، محدود نکردن همسر، رفت و آمد با خانواده و بستگان همسر، عدم پذیرش دخالت دیگران در زندگی مشترک، توجه کردن به تفریحات خانواده، نحوه رضایت‌مندی شوهر از اشتغال زن در خارج از منزل و پذیرش آثار اجتماعی نقص عضو همسر (در صورت وجود نقص عضو) مورد سنجش واقع شده است. زوج‌های گروه آزمایش و گروه گواه در این زیرمقیاس روان‌شناختی تفاوت معنی‌دار داشته‌اند.

با توجه به جدول ۲، میانگین نمرات ناسازگاری رفتار اجتماعی مردان گروه آزمایش ۱۱/۶۲ و مردان گروه گواه ۴/۱ و میانگین نمرات ناسازگاری رفتار اجتماعی زنان گروه آزمایش ۱۰/۸۴ و زنان گروه گواه ۴/۷۸ محاسبه گردیده است که گویای تفاوت دو گروه می‌باشد.

پژوهشهای دیگر این نتایج را به نحوی تأیید کرده است. پژوهش فیگلی (۱۹۸۹) ویژگیهای خانواده‌ناکارآمد را همبستگی ضعیف خانواده و حل مسأله با تأکید بر سرزنش ذکر کرده است. توماس^۱ (به نقل از پورو، ۱۳۷۴) نیز در تحقیقی که در آمریکا انجام داده

نتیجه‌گیری کرده است که در ۷ هزار مورد علت اصلی طلاق در سالهای اول ازدواج دخالت پدر و مادرها در زندگی بوده است.

۳- رفتارهای ناسازگارانه نظیر: نظم و ترتیب داشتن در کارهای شخصی، پرخاشگری، رفتار وسواسی، سوء مصرف یا وابستگی به مواد مخدر و الکل، توهین کردن لفظی، بذل و بخشش اموال، تنبلی در کارهای منزل، لجبازی کردن، بدقولی کردن، کتک کاری، بد رفتاری با فرزندان، صحبت کردن با کلمات زشت، پرحرفی کردن، از صحبت کردن طفره رفتن و تماشای فیلم‌های ناجور (برای مردان) مورد سنجش قرار گرفته‌اند.

زوج‌های گروه آزمایش و گروه گواه در این مقیاس تفاوت معنی‌دار داشتند. زیرا با توجه به جدول ۲ میانگین نمرات ناسازگاری رفتاری مردان گروه آزمایش ۱۴/۱۶ و مردان گروه گواه ۴/۶ و میانگین نمرات ناسازگاری رفتاری زنان گروه آزمایش ۱۴/۶۶ و زنان گروه گواه ۵/۵۴ بوده است که می‌تواند مبین تفاوت زوج‌های دو گروه باشد.

تحقیقات انجام شده دیگری نتایج این پژوهش را تأیید کرده است. فیگلی (۱۹۸۹) در تحقیق خود استفاده از مواد مخدر و خشونت را در فروپاشی خانواده مؤثر دانسته است. لاکي (۱۹۹۱) نیز به این نتیجه دست یافته است که بحرانهای اجتماعی از جمله اعتیاد، خانواده را دستخوش فروپاشی می‌کند. توماس (به نقل از پورو، ۱۳۷۴) اثبات کرده است که ۶ سال پس از ازدواج یکی از علل اصلی طلاق مشروب خواری بوده است. هیدن (۱۹۹۵) در تحقیق خود پرخاشگری کلامی که به کتک کاری منجر می‌شود را از ناسازگارهای زناشویی برشمرده است. گلدمن (۲۰۰۰) ارتباط بین سوء مصرف مواد مخدر و طلاق را تأیید کرده است.

۴- ناسازگاری عاطفی زوج‌ها با ملاک‌های زودرنج و حساس بودن، کج خلق بودن، عدم سازگاری با خلق و خوی همسر، بی‌توجهی عاطفی به فرزندان، بی‌محبتی به همسر، میل به تنها بودن، اختلال روانی همسر، وابسته کردن فرزندان به خود، وابسته بودن به خانواده اصلی، بی‌علاقگی به همسر و تمایل به دور بودن از همسر برای مدت طولانی مورد سنجش قرار گرفته‌اند.

معیارهای مورد سنجش، تفاوت زوج‌های گروه آزمایش و گروه گواه را نشان داده است. با توجه به جدول ۲، میانگین نمرات ناسازگاری عاطفی مردان گروه آزمایش ۱۳/۸۶ و مردان گروه گواه ۴/۷۶ و میانگین نمرات ناسازگاری عاطفی زنان گروه گواه ۱۴/۳ و زنان گروه گواه ۵/۳۲ بوده است.

پژوهشهای دیگر نتایج این تحقیق را مورد تأیید قرار داده است. فیگلی (۱۹۸۹) بیان ناآشکار یا غیر صریح محبت و تعهد به همسر را جزو یازده ویژگی مهم خانواده ناکارآمد توصیف کرده است. لوین و هنسی (۱۹۹۰) نقش ابراز محبت به همسر و خونگرم بودن را در ازدواجهای موفق مورد تأکید قرار داده‌اند. کلی (۱۹۹۵) به روابط قهر و غضب بین زوج‌ها که به ناسازگاری منجر می‌شود اشاره کرده است. فریدمن (۱۹۹۵) از میان علل منجر به طلاق افسردگی اساسی را از عوامل اصلی ذکر کرده است. فرجاد (۱۳۷۲) نیز میزان علاقه زوج‌ها به هم در طول زندگی و تأثیر آن در ناسازگاری زناشویی را مورد تأیید قرار داده است. ساردنی و خسروپور (۱۳۷۸) رابطه بین طلاق و ابتلای به بیماریهای روانی یک یا هر دو نفر از زوج‌ها را گزارش کرده‌اند. آقا محمدیان (۱۳۷۹) نیز به این نتیجه دست یافته است که زنان مطلقه اضطراب و تنش عصبی بسیار بالاتری نسبت به زنان عادی داشته‌اند.

۵- ناسازگاری رفتار جنسی زوج‌ها با ملاک‌های؛ میزان آگاهی از رفتار جنسی، میزان اهمیت دادن به روابط جنسی، گفت‌وگو با همسر در امور جنسی، هماهنگی با همسر در امور جنسی، علاقه به روابط جنسی، سرد مزاجی (زنان) ناتوانی جنسی (مردان)، وجود یا نبود رابطه جنسی خوب، میزان استفاده از روابط جنسی برای کنترل و تنبیه همسر، تعادل در روابط جنسی، داشتن روابط جنسی خارج از محیط زناشویی (برای مردان) مورد سنجش قرار گرفته است.

به نظر می‌رسد مشکل رفتار جنسی در میزان سازگاری زوج‌ها دخالت دارد، زیرا با توجه به جدول ۲ میزان نمرات ناسازگاری رفتار جنسی در مردان گروه آزمایش ۱۱/۷۸ و در مردان گروه گواه ۳/۶۸ و میانگین نمرات ناسازگاری رفتار جنسی در زنان گروه مراجع ۸/۹۶ و در زنان گروه گواه ۳/۱۴ بوده است.

در پژوهش محققان دیگر نتایج این پژوهش مورد تأیید قرار گرفته است. لاکي (۱۹۹۱) در بیان علل نابسامانی خانواده، بی‌وفایی و بدقولی جنسی در زنان و مردان را مورد توجه قرار داده است. وی همچنین آزادیهای جنسی و روابط جنسی زوج‌ها خارج از محیط زناشویی را در ناسازگاری مؤثر دانسته است. فرجاد (۱۳۷۲) بین رابطه جنسی زوج‌ها و رضایت از زندگی رابطه مستقیم به‌دست آورده است. لوموال (به نقل از پورو، ۱۳۷۴) نتیجه‌گیری کرده است که ۷۵ درصد زنان و مردان آگاهی کمی از

روابط جنسی داشته‌اند و آن مقدار اندک را از هم‌کلاسی‌های خود دریافته‌اند، آزمودنی‌های تحقیق وی ۴۰ درصد باور داشته‌اند که آگاهی جنسی توانسته است زندگی زناشویی آنان را موزون و هماهنگ سازد. افشاری منفرد (۱۳۷۹) یکی از نتایج تحقیق خود را که عامل مؤثر در فروپاشی خانواده می‌باشد، ناسازگاری جنسی زوج‌ها ذکر نموده است. مختاری و یزدی (۱۳۷۹) فساد اخلاقی همسر، انحرافات جنسی و ناتوانی جنسی را به‌عنوان بخشی از عوامل مؤثر در ناسازگاری زوج‌ها مورد تأیید قرار داده‌اند. کاپلان^۱ مضایقه از پول یا سکس را راهی برای پرخاشگری زوج‌ها و اختلافات عمیق آنها ذکر کرده است.

۶- رفتار مذهبی زوج‌ها معیارهای وجود اختلاف نظر در انجام تکالیف مذهبی، میزان رعایت اصول دینی در رابطه با فرزندان، آزادی عمل در رفتن به مسجد، انجام فریضه نماز، ممانعت از انجام فرایض دینی به وسیله همسر، رعایت کردن دستورات دینی در رابطه با همسر، شوخی کردن همسر با افراد نامحرم مورد سنجش قرار گرفته است.

بر اساس نتایج به‌دست آمده به نظر می‌رسد اختلاف در رفتار مذهبی زوج‌ها در ناسازگاری آنان دخالت داشته است. زیرا با توجه به جدول ۲، میانگین نمرات ناسازگاری مذهبی در مردان گروه آزمایش ۴/۵۸ و مردان گروه گواه ۱/۱۶ و میانگین نمرات ناسازگاری مذهبی در زنان گروه آزمایش ۷/۲۸ و در زنان گروه گواه ۲/۰۸ بوده است.

نتایج این پژوهش با پژوهشهای دیگر همخوانی دارد چنانکه، گود (۱۹۶۳) کاهش اعتقادات مذهبی را در افزایش فشار اضطراب زوج‌ها که به طلاق منجر می‌شود، تأیید کرده است. لاکي (۱۹۹۱) یکی از موارد مهم در فروپاشی خانواده‌ها را سقوط ارزشهای مذهبی و اخلاقی دانسته است. کاپلان (۱۳۷۹) نیز در پژوهشهای مربوط به طلاق، کاهش تأثیر مذهب را ذکر کرده است که باعث گردیده طلاق به‌عنوان راه حل مقبول پذیرفته شود. مختاری و یزدی (۱۳۷۹) در پژوهش خود ۴۴ درصد طلاقهای شهر یزد را بی‌توجهی به اعتقادات دینی همسر ذکر کرده‌اند. بنی‌اسدی (۱۳۷۹) همچنین به این نتیجه رسیده است که عامل حفظ دین و انجام وظایف الهی در بین زوج‌های سازگار و ناسازگار تفاوت معنی‌دار داشته است.

۷- بحث در یافته‌های اضافی پژوهش

الف - بین زوج‌های گروه آزمایش و گروه گواه از لحاظ سنی تفاوت معنی‌دار وجود داشته است با توجه به جدول ۳ میانگین سنی مردان گروه آزمایش ۳۵/۵۲ سال (جوانترین مرد ۲۳ و مسن‌ترین مرد ۶۲ سال) و مردان گروه گواه ۴۲/۸ سال (جوانترین مرد ۲۹ سال و مسن‌ترین مرد ۶۲ سال) میانگین سنی زنان گروه آزمایش ۲۹/۵۶ (جوانترین زن ۱۹ سال و مسن‌ترین زن ۵۱ سال) و زنان گروه گواه ۳۷/۱۸ سال (جوانترین زن ۲۵ سال و مسن‌ترین زن ۶۰ سال) بوده است. یعنی زوج‌های عادی از میانگین سنی بالاتری برخوردار بوده‌اند. طول مدت ازدواج نیز در زوج‌های گروه گواه (زوج‌های عادی) بیش از زوج‌های متقاضی طلاق بوده است. زیرا میانگین مدت ازدواج زوج‌های عادی ۱۷/۳۴، ولی میانگین مدت ازدواج زوج‌های متقاضی طلاق ۹/۹۴ سال بوده است.

ب - وجود تفاوت معنی‌دار در وضعیت اشتغال زنان: با ملاحظه جدول ۴، تعداد زنان شاغل در گروه گواه (زوج‌های عادی) بیش از گروه آزمایش بوده است و برعکس تعداد زنان خانه‌دار در گروه آزمایش بیش از گروه گواه بوده است. این موضوع به نظر می‌رسد تأثیر اشتغال زنان بر میزان سازگاری آنان را نشان دهد و می‌تواند از جنبه‌های کمک به اقتصاد خانواده، وجود استقلال نسبی زنان در امور اقتصادی، رفع مشکل اوقات فراغت، پدید آمدن سلطه‌گری نسبی در زنان شاغل و مشارکت در تصمیم‌گیری خانواده موجب کاهش اختلافات بین فردی با شوهر و در نتیجه سازگاری مؤثر واقع گردد.

ج - تفاوت در زوج‌های عادی و آزمایش از لحاظ همشهری بودن و همشهری نبودن: با ملاحظه جدول ۴، در گروه زوج‌های عادی ۳۹ زوج همشهری بوده‌اند و در مقابل ۲۸ زوج از متقاضیان طلاق، همشهری بوده‌اند، همشهری بودن زوج می‌تواند تأثیراتی را در نحوه زندگی و سازگاری ایفا نماید از قبیل: هماهنگی در فرهنگ و آداب و رسوم و تبعات آنها، برخورداری هر دو نفر از حمایت‌های اجتماعی و فامیلی، ارتباط عاطفی و روانی با خانواده اصلی و بستگان آنها، کسب آرامش روانی بیشتر و سازگاری زن و شوهر با هم.

د - در این پژوهش رابطه معنی‌دار بین تفاوت سنی زوج‌ها و ناسازگاری آنها و همچنین تفاوت سطح تحصیلات زن و شوهر و رابطه آن با ناسازگاری به دست نیامده است.

منابع

- آقامحمدیان، ح. (۱۳۷۹)، بررسی ویژگیهای شخصیتی زنان مطلقه و غیرمطلقه مشهد.
- ابوالقاسمی و کیامرثی، (۱۳۷۹)، بررسی عوامل شخصیتی و طلاق، همایش طلاق بهزیستی استان اصفهان.
- افشاری منفرد، ژ. (۱۳۷۹)، بررسی آثار روانشناختی طلاق و از هم گسیختگی خانواده روی گروهی از نوجوانان شهر تهران.
- بنی‌اسدی، ح. (۱۳۷۵)، بررسی و مقایسه عوامل شخصیتی زوج‌های سازگار و ناسازگار، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، کرمان، دانشگاه کرمان.
- بی‌آزار شیرازی. (۱۳۷۳)، مسائل خانواده، ج ۴، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- پورو، م. روانشناسی پزشکی، ترجمه و، ر. (۱۳۷۴)، شجاع، مشهد، دانشگاه امام رضا (ع).
- دلاور، ع. (۱۳۷۴)، مبانی نظری و عملی پژوهش، تهران، رشد.
- ساردئی، ع و خسروپور، ف. (۱۳۷۹)، بررسی توزیع فراوانی طلاق در بین بیماران روانی، همایش طلاق، بهزیستی استان اصفهان.
- فرجاد، م. ح. (۱۳۷۲)، آسیب‌شناسی اجتماعی، ستیزهای خانواده و طلاق، تهران، منصوری.
- قرآن کریم، مدینه منوره.
- کاپلان، ه و سادوک، ب. خلاصه روانپزشکی، ترجمه پورافکاری، ن. (۱۳۷۹).
- مختاری، ح و یزدی، م. (۱۳۷۹)، علل روانشناختی طلاق، دادگستری یزد.
- مرکز آمار ایران، (۱۳۷۸)، آمارنامه.
- مرکز آمار ایران، (۱۳۷۹)، آمارنامه.
- مولوی، ح. (۱۳۷۸)، راهنمای عملی spss 10 در علوم رفتاری، اصفهان، دانشگاه اصفهان.
- FRIEDMAN, M. L. (1995). *Closing the gap between grand theory and mental health practice with families*. Archives of psychiatric. Nursing. 1. 15-16.
- FIGLEY, R. CHARLES. (1989). *Helping Traumatized Families*. Oxford, Jossey-Bass Publishers.

- GOLDMAN, N. (2000). *The association between health-related behaviors and the risk of divorce*. Biosoc sci, 32, 63-88.
- GOOD, WILLIAM J. (1963). *Word Changes in Divorce Pattern*, NewYork Garden City.
- HYDEN, MARGARETA. (1995). *Verbal aggression as prehistory of woman battering*, Journal-of-family-violence: 1995 Mar Vol 70(1) 55-77.
- KELLY, JOAN, B. (1995). *Power Imbalance in divorce and interpersonal mediation: Assessment and Intervention* Mediations Quarterly, 1995 win Vol 13(2) 85-98.
- LEVINE, M. HENSSY, Y & James, J. (1990). *Personality influences in the stability of early (Teenage) marriage in the United States*.
- LUCKY, A. (1991). *Longitudinal, Study material satisfaction*. Sociology & capocial Research, 50, 212-216.
- OWEN, B. & ORTHER, J. (1983). *Sex role ongruency & material quality*. Journal of marriage & family, 45, 1, 33-46.

E-mail: aghaeia @ khuisf.ac.ir